

# جادو و جادوگری

محمدنصیر شهنوازی  
مدرس مخزن العلوم خاش

مقدمه

انسان برترین مخلوق روی زمین است؛ الله تبارک و تعالی در او نیرو و قدرت شناخت اشیا را قرار داده و آسمان، زمین و موجودات آن را تابع و برای او مسخر گردانیده است. اما گاهی بعضی از انسانها، مقام خود را فراموش کرده و به آسانی تحت تأثیر اوهام، خرافات و وسوسه‌های شیطان و شیطان‌صفتان قرار می‌گیرند. شیطانهایی که همیشه در کمینند تا با حیل‌های گوناگون و دسیسه‌های متنوع انسانها را از ایمان و مسیر حق و حقیقت منحرف کرده و در باتلاقی از گناه و معصیت گرفتار سازند.

یکی از ترفندهای شیطان در منحرف کردن انسانها از عقیده حق و ایمان، سحر و جادو است. چنانکه مشاهده می‌کنیم بعضی از مسلمانان فریب شیادان و جادوگران را خورده و به گمان اینکه آنها غیب می‌دانند، برای تأمین برخی از نیازهای خود به آنها مراجعه می‌کنند و هر چه این شیادان بگویند آنها نیز باور می‌کنند و با چنین باوری دین و ایمان خویش را در مخاطره می‌اندازند.

لذا لازم دانستیم تا در خصوص این معضل در پرتو قرآن و سنت مطالبی را برای مردم متدین و با ایمان بیان داریم تا با ماهیت واقعی سحر و جادو آشنا شده و خود را از ضررهای دینی و دنیوی آن محفوظ نگهدارند.

## تاریخچه سحر

درباره آغاز سحر و ساحری بحثهای فراوانی شده است؛ از کتیبه‌ها، تصاویر، علائم و اشیائی که از حفاری‌های باستان‌شناسی بدست آمده است، چنین بر می‌آید که سحر و ساحری از زمانهای خیلی قدیم در میان مردم رواج داشته است و آن را مورد استفاده قرار می‌دادند.

از بررسی تاریخ به این نکته پی می‌بریم که اهل بابل

از نوابغ این فن بوده‌اند.

انسانها در دوران بعثت پیامبران بر اثر دعوت آنها از جادو و جادوگری اعراض نموده و به خداوند، خالق و مالک کائنات، ایمان و اعتماد پیدا می‌کردند، اما با رحلت پیامبران و گذشت زمان و بر اثر هجوم مشکلات، در دام اوهام و خرافات افتاده و بعضاً به جادوگران رجوع می‌کردند.

در عصر حضرت موسی سحر و ساحری در حد گسترده و وسیعی رواج داشت، به گونه‌ای که مردم آن زمان اشتغال به این فن را از کمالات می‌پنداشتند. مردم جاهل برای دفع مشکلات و دفع ضرر و گزند دیگران به ساحران روی می‌آوردند، حتی پادشاهانی همانند فرعون مصر برای بقای حکومت و حفاظت تخت و تاج خود به جادوگران متوسل می‌شدند.

نکته دیگری که قابل توجه است این است که از زمان حضرت نوح (ع) انسانهای بی‌ایمان، پیامبران را به جادوگری متهم می‌کردند و این تهمت تا زمانه حضرت پیامبر اکرم ﷺ ادامه داشت.

الله تبارک و تعالی می‌فرماید: «كذلك ما أتى الذین من قبلهم من رسول الا قالوا ساحر او مجنون»<sup>(۴)</sup>؛ همین گونه (که اینان شما را تکذیب می‌دارند) هیچ پیغمبری به سوی مردم پیش از ایشان نرفته است، مگر اینکه گفته‌اند: او جادوگر یا دیوانه است.

## معنی سحر

در مفردات راغب اصفهانی - که مخصوص کلمات قرآن است - به سه معنای سحر اشاره شده است:

۱- فریب و پندارهای بدون حقیقت و واقعیت، همانند شعبده‌بازی و تردستی؛

علما می‌فرمایند سحر جادوگران فرعون از همین نوع بوده است.

« قال بل اتقوا فاذا جبالهم و عصیهم یخیل الیه من

ندای اسلام

شماره ۱۴ • تابستان ۸۲



✓ بعضی

از مسلمانان

فریب شیادان و

جادوگران را

خورده و به گمان

اینکه آنها غیب

می‌دانند، برای

تأمین برخی از

نیازهای خود به

آنها مراجعه

می‌کنند.

سحرهم آنها تسعی»<sup>(۱)</sup>؛ (موسی) گفت: شما اول (شروع کنید و آنچه دارید جلو) بیندازید. (آنان طنابها و عصاهای خود را انداختند. موسی) چنان به نظرش رسید که بر اثر جادوی ایشان، به ناگاه طنابها و عصاهای آنان (مار شده‌اند و می‌خزند و) تند راه می‌روند.

«فلما اتقوا سحروا اعین الناس و استرهبوه»<sup>(۲)</sup>؛ هنگامی که (وسایل جادوگری خود را) بینداختند مردم را چشم بندی کردند و ایشان را به هراس افکندند.

۲- جلب شیطانها به روشهای خاص و کمک گرفتن از آنها؛

«هل انشکم علی من تنزل الشیطان تنزل علی کل افاک ائیم یلقون السمع و اکثرهم کاذبون»<sup>(۳)</sup>؛ آیا به شما خبر بدهم شیاطین بر چه کسی نازل می‌شوند (و القاء و سوسه می‌کنند) بر کسانی نازل می‌گردند که کذاب و بس گناهکار باشند (چرا که کاهنان و غیبگویان دروغگو و پلشت می‌باشند) (به شیاطین) گوش فرا می‌دهند، و بیشترشان دروغگویند (و از پیش خود چیزهایی بهم می‌بافند).

۳- ممکن است با وسایلی ماهیت و شکل اشخاص و موجودات را تغییر داد، مثلاً انسان را به وسیله آن بصورت حیوان درآورد ولی این نوع، خیال و پنداری بیش نیست و واقعیت ندارد.<sup>(۴)</sup>

در لسان‌العرب آمده است: سحر عبارت است از هر آنچه که مأخذ، منشأ و عوامل آن ظریف، مرموز، نامرئی و پنهان باشد.

و درباره معنی اصطلاحی سحر در لسان‌العرب آمده است: سحر عملی است که با انجام دادن آن ساحر به شیطان نزدیک می‌شود - «السحر عمل یتقرب فیه الی الشیطان» -<sup>(۵)</sup>

در تعریف اصطلاحی سحر در عمدة القاری چنین آمده است: «فهو امر خارق العادة صادر عن نفس شریرة لایستعذر معارضة»؛ سحر عملی است خارق‌العاده که از فردی شریر انجام می‌گیرد و مقابله با آن مشکل نیست.<sup>(۶)</sup>

### اقسام سحر

امام فخر رازی در تفسیر کبیر هشت روش برای سحر و جادو کردن بیان نموده است:  
۱- جادویی که در زمانهای قدیم در میان مردم بابل

✓ سحر  
عبارت است از هر آنچه که مأخذ، منشأ و عوامل آن ظریف، مرموز، نامرئی و پنهان باشد.

رایج بود: بابلها ستاره پرست بودند و گمان می‌کردند ستارگان مؤثر و مدبّر زمین و مردم هستند و تمامی خیر و خوبی و سعادت و شقاوت و نحوست و بدی از سوی ستارگان است. جادوگران آن زمان بر اساس حرکت ستارگان و منازل و برجهای آنها ادعای غیب‌گویی، آگاهی از آینده و پیش‌گویی می‌کردند.

۲- جادویی که با قدرت و نیروی اراده انجام می‌گیرد: در این روش انسان با ریاضتهای طولانی به تقویت فکر و اراده خویش می‌پردازد سپس با نیروی اراده خود بر اشیای محیط اطراف خود اثر می‌گذارد و چیزهای خارق‌العاده‌ای را در برابر چشم بینندگان مجسم می‌کند.

۳- یاری جستن از ارواح زمینی: یعنی ساحر در سحر خود از شیطان و جن‌ها یاری می‌گیرد.

۴- سحری که با القاء تخیلات و گمان‌افکنی انجام می‌گیرد: در این نوع سحرها جادوگر از نیروی تخیلی استفاده می‌کند و با چشم‌بندی و سرعت عمل در قوای خیالی انسان تصرف می‌کند.

۵- اعمال و کارهای عجیبی که در اثر ترکیب وسایل و ابزار آلات انجام می‌گیرد: در این نوع از سحر جادوگر برای اعمال عجیب و غریب خود از اشیاء و وسایلی که برای مردم قابل رویت نیستند استفاده می‌کند.

۶- استفاده از خواص و ویژگیهای ناشناخته فیزیکی و شیمیایی اجسام: ساحر در این نوع سحر از خواص شیمیایی اجسام استفاده می‌کند که عموم مردم از آن خواص اطلاعی ندارند؛ مثلاً در شیمی امروزه اجسام بسیاری را می‌شناسیم که وزنشان از هوا سبکتر است و اگر درون جسمی قرار داده شوند ممکن است آن جسم به حرکت در آید و کسی هم تعجب نمی‌کند حتی بسیاری از وسایل بازی کودکان در گذشته یک نوع سحر به نظر می‌رسید.

۷- تعلق قلب: در این نوع سحر، جادوگر با ادعا کردن اینکه اسم اعظم را می‌داند و بر اثر آن جن‌ها تابع او هستند و در انجام امور از او پیروی می‌کنند،

۱- طه: ۶۶

۲- اعراف: ۱۱۶

۳- شعرا: ۲۲۱

۴- مفردات الفاظ القرآن، راجب اصفهانی، ص: ۲۰۰، چاپ دارالقلم.

۵- لسان العرب: ۳۳۷/۴، نشر ادب العوزة.

۶- عمدة القاری باب السحر: ۲۷۷/۲۱، دار احیاء التراث العربی.

مردم را معتقد خود می‌گرداند و قلب و عقل آنها را شکار می‌کند.

۸- نیمه و سخن چینی: در این قسم از سحر ساحر با سخنان مبهم و پیچیده و با چابکی خاص در میان مردم اختلاف، تشمت، بغض و کدورت ایجاد می‌کند. (۱)

می‌کند، قدرت همبستری را از بین می‌برد، در میان زوجین جدایی می‌افکند و میان افراد جامعه تشمت و اختلاف ایجاد می‌کند. (۴)

جمهور اهل سنت می‌گویند جادو واقعیت دارد و تنها تخیل محض نیست.

### دلایل واقعیت سحر

«یعلمون الناس السحر» (۵)؛ شیاطین به مردم سحر می‌آموزند.

تعلیم و تعلم در امور حقیقی امکان دارد و انجام می‌گیرد.

«فلما اتقوا سحروا اعین الناس و استرهبوهم و جاءوا بسحر عظیم» (۶)؛ هنگامی که جادوگران (وسایل جادوگری خود را) بینداختند مردم را چشم‌بندی کردند و جادوی بزرگی از خود نشان دادند.

خداوند برای سحر صفت عظیم را آورده است و این صفت برای چیزی که واقعیت ندارد نمی‌آید پس صفت عظیم دال بر این است که سحر واقعیت دارد.

«قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله» (۷)؛ موسی گفت: آنچه ارایه دادید واقعاً جادو است. قطعاً خداوند آنرا پوچ و نابود خواهد کرد.

از این آیات معلوم می‌شود که سحر دارای واقعیت بوده و اثرش ثابت است که خداوند آن را باطل می‌کند، زیرا چیزی باطل می‌شود که واقعاً وجود داشته باشد نه اینکه وهم و گمان باشد.

در حدیثی از صحیح بخاری منقول است که لیب بن الاصم یهودی از قبیله بنی زریق پیامبر ﷺ را سحر نمود، از اثر سحرش پیامبر گرامی ﷺ مریض شدند به حدی که کاری را که انجام نداده بود تصور می‌کرد که انجام داده است. سوره‌های معوذتین (سوره فلق و ناس) برای گشودن سحر پیامبر ﷺ نازل شد و خداوند او را شفا داد. پس معلوم می‌شود سحر واقعیت دارد. (۸)

البته علمایی که معتقدند سحر حقیقت دارد، منظورشان این نیست که هر چه را ساحر ادعا کند

همچنین کارهایی که با استفاده از خواب مغناطیسی و هیپنوتیزم و مانی تیزم و تله پاتی (انتقال افکار از راه دور) انجام می‌گیرد گرچه این علوم از آن دسته علمی هستند که می‌توان از آنها استفاده صحیح نمود اما ساحران و بعضی از شیادان از آنها برای اغفال و فریب مردم سوء استفاده می‌کنند که کاربرد غلط علوم مذکور آنها را در سحر داخل می‌کند. از این نوع سحر تنها افرادی متأثر می‌شوند که از قدرت و نیروی تلقین و مهارت این ساحران، اطلاعی نداشته باشند.

### آیا سحر حقیقت دارد؟

از آنجایی که سحر دارای معانی مختلفی است و سحر کردن به روش‌های متعددی صورت می‌گیرد، علما درباره حقیقت سحر اختلاف دارند.

علامه ابن حجر در فتح الباری می‌فرماید: گروه معتزله معتقدند که سحر حقیقت و واقعیت ندارد. همچنین ابن حزم ظاهری و از شوافع ابواسحاق استرآبادی و از احناف ابوبکر رازی نیز بر همین باورند که سحر حقیقت ندارد و آنچه را که ساحر انجام می‌دهد، وهم، گمان و خیال‌افکنی است. و برای اثبات نظریه خود از آیات ذیل و امثال آن استدلال می‌کنند.

«فاذا حبالهم و عصیهم یغیث الیه من سحرهم انها تسعی»؛ چنان به نظرش رسید که بر اثر جادوی ایشان، بناگاه طنابها و عصاهای آنان (مار شده و می‌خزند و) تند راه می‌روند.

«فلما اتقوا سحروا اعین الناس» (۲)؛ هنگامی که جادوگران (وسایل جادوگری خود را) بینداختند مردم را چشم‌بندی کردند.

اما نظر جمهور علما این است که سحر واقعیت دارد. (۳)

علامه ابن قدامه می‌فرماید: سحر دارای حقیقت است، باعث مرگ می‌شود و انسان را مریض



✓ البته

علمایی که

معتقدند سحر

حقیقت دارد،

منظورشان این

نیست که هر چه

را ساحر ادعا کند

قادر به انجام آن

است.

۱- تفسیر کبیر امام فخر رازی: ۲۰۶/۳، شرکت صحافی نون.

۲- اعراف: ۱۱۶

۳- فتح الباری: ۱۸۲/۱۰، احیاء التراث العربی.

۴- المغنی: ۱۰۲/۱۰، دارالفکر. ۵- بقره: ۱۰۲

۶- اعراف: ۱۱۶ ۷- یونس: ۸۱

۸- بهاری: ۴۶/۴، حدیث شماره: ۵۷۶۴

قادر به انجام آن است.

هیچ ساحری نمی‌تواند ماهیت و شکل موجودات را تغییر دهد مثلاً انسان را بصورت حیوان یا حیوان را بصورت انسان درآورد، طبق اجماع جمهور علما معجزات انبیا از قبیل نازل شدن ملخ، قورباغه و شکافتن دریا و تبدیل شدن عصا به اژدها و زنده کردن مردگان و سخن گفتن حیوانات و... حقایقی بوده‌اند که توسط انبیاء ظاهر شده‌اند، و ساحران هرگز قادر به انجام کارهای خارق‌العاده‌ای که شبیه معجزات انبیا باشند، نیستند.

البته این امر جای خود را دارد که امور خارق‌العاده‌ای که تحت قدرت بشر است به دست ساحر آشکار شود، مثلاً با جادو کردن کسی را مریض کنند، یا در میان زوجین جدایی بیاورند یا عقل کسی را زایل یا عضو کسی را کج نمایند. ولی در هر حال نباید غافل بود که مؤثر حقیقی فقط الله عزوجل است.

«و ما هم بضارین به من احد الا باذن الله»<sup>(۱)</sup>؛ و حال آنکه با این جادوی (خویش) نمی‌توانند به کسی زیان برسانند مگر اینکه با اجازه و خواست خدا باشد.

### گشودن سحر

مانند بقیه امراض سحر هم نوعی مرض و بلا است که انسان دچار آن می‌شود و عوارض آن از امراض جسمی بیشتر است که حتی گاهی به هلاکت انسان منجر می‌شود. پس همان طوری که تداوی بقیه امراض جائز است مداوای سحر و جادو هم درست و مشروع است. پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «تداووا فان الله الذی خلق الداء خلق الدواء»<sup>(۲)</sup>؛ خود را معالجه بکنید خدایی که مرض را بوجود آورده دواء و معالجه‌اش را هم آفریده است.

گشودن سحر کار خطرناکی است افراد کمی قادر به انجام آن هستند و در این میان کسانی هستند که صلاحیت این کار را ندارند و با حيله گری، مکر و فریب مال حرام جمع آوری می‌کنند و سرانجام خود را به هلاکت می‌اندازند.

کسانی که عمل گشودن سحر را انجام می‌دهند باید متصف به این صفات باشند:

- ۱- قولاً و عملاً مؤخّذ باشند؛
- ۲- از محرّمات و معاصی دوری کنند؛
- ۳- پایبند مستحبات باشند؛

✓ گشودن سحر کار خطرناکی است افراد کمی قادر به انجام آن هستند و در این میان کسانی هستند که صلاحیت این کار را ندارند و با حيله گری، مکر و فریب مال حرام جمع آوری می‌کنند.

۴- علم و دانش و مهارت این کار را داشته باشند؛

۵- افرادی متقی و پرهیزکار باشند؛

۶- جرأت و شهامت داشته باشند؛

۷- فروتن، امین و متاهل باشند؛

۸- رضا و خشنودی خداوند مد نظر آنها باشد؛

۹- هدفشان جمع آوری مال از افراد ضعیف‌الایمان نباشد؛

۱۰- توانا و قادر باشند که خود را از ضرر سحر حفظ نمایند.

### دلایل باطل کردن سحر

گشودن سحر را بعضی از علما حرام می‌دانند و از حدیث سنن ابوداود استدلال می‌کنند: «سئل رسول الله ﷺ عن النشرة فقال هو من عمل الشیطان»<sup>(۳)</sup>؛ در مورد گشودن سحر از پیامبر سؤال شد، پیامبر پاسخ دادند: گشودن سحر از کارهای شیطان است.

در توضیح حدیث «النشرة من عمل الشیطان» ابن حجر می‌فرماید: حکم گشودن سحر به هدف شخصی که سحر را می‌گشاید بستگی دارد اگر نیتش خیر باشد پس گشودن درست و خوب است و اگر نیتش شر باشد خوب نیست.<sup>(۴)</sup>

علما گشودن سحر را توسط جادوگران و کاهنان که در ابطال آن اعمال خلاف شرع مرتکب می‌شوند جائز نمی‌دانند چونکه این افراد با کشتن حیوان و استمداد از شیاطین و جن‌ها و ارتکاب گناهان کبیره باعث گمراه کردن مردم و تحریف حقایق و متزلزل ساختن عقاید افراد ساده لوح می‌شوند.

اما علاج سحر با آیات قرآنی و ادعیه مباح و توسط کسی که دارای عقیده صحیح و پایبند احکام شرعی است اشکالی ندارد.

زیرا وقتی لبید بن الاصم پیامبر ﷺ را سحر کرد حضرت جبرئیل از محل سحرها پیامبر ﷺ را با خبر کرد، پیامبر ﷺ به حضرت علی و طلحه رضی الله عنهما دستور داد سحرها را از چاه ذروان بیرون کردند و سوره‌های معوذتین را بر گره‌ها خوانده و گره‌ها گشوده شدند و سحر باطل شد و پیامبر احساس سبکی و راحتی نمود.<sup>(۵)</sup>

۱- بقره: ۱۰۲.

۲- مستند امام احمد بن حنبل: ۳۵۰/۵، شماره حدیث: ۲۷۹۸۹.

۳- عون المعبود، شرح ابی داود: ۲۲۹/۱۰، حدیث: ۳۸۶۲، دارالکتب العلمیه.

۴- فتح الباری: ۱۹۱/۱۰، احیاء التراث العربی.

۵- بخاری: ۳۲/۴، شماره حدیث: ۵۷۶۳، دارالکتب.

در صحیح مسلم آمده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «لا بأس بالرقی ما لم یکن فیہ شرک»<sup>(۱)</sup>؛ دعا و تعویذی که مشتمل بر شرک نباشد اشکالی ندارد.

### موضع اسلام دربارهٔ ساحران

چونکه سحر عملی بد و زشت است، هیچ یک از ادیان آسمانی آن را جایز قرار نداده است.

زیرا کسی می‌تواند آن را انجام بدهد که از ایمانش دست بکشد و چشم و گوش بسته مطیع شیطان و جن‌ها باشد و با انجام اعمال بد همیشه شیطان را از خود خشنود و راضی نگهدارد.

ساحر قبل از اینکه به دیگران ضرر برساند خودش متضرر می‌گردد.

از حضرت ابوهیرة رضی الله عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«اجتنبوا السبع المویقات، قالوا یا رسول الله ماهی قال الشکر بالله و السحر و قتل النفس التی حرّم الله الا بالحق و اکل الربوا و اکل مال الیتیم و التولی یوم الزحف و قذف المحصنات المؤمنات الغافلات»<sup>(۲)</sup>؛ از هفت چیز هلاک‌کننده دوری کنید، صحابه گفتند ای رسول خدا آنها را بگویند پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ۱- شرک کردن به خدا ۲- جادو کردن ۳- کشتن فردی که خداوند کشتن او را حرام نموده مگر به حق ۴- ربا خوردن ۵- خوردن مال یتیم ۶- فرار از میدان در روز نبرد با کفار ۷- تهمت زدن به زنان مؤمن، پاک دامن و بی‌خبر.

چونکه ساحر ایمان به خدا را رها کرده و از جن‌ها استمداد می‌کند بقدری منفور و مبغوض خداوند است که حتی کسی که پیش او می‌رود هم نمازش قبول نمی‌شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«من اتی عرفاً فسأله عن شیء لم تقبل له صلوة أربعین لیلة»<sup>(۳)</sup>؛ کسی که پیش منجم و فالگیر برود و درباره چیزی از او سؤال کند تا چهل شبانه روز نمازش قبول نمی‌شود.

کسانی که ساحران را تصدیق می‌کنند و به گفتار و کردار آنها ایمان دارند به بهشت نمی‌روند.

ابوموسی رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نموده است: «لا یدخل الجنة مدمن الخمر و لا قاطع الرحم و مصدق بالسحر»<sup>(۴)</sup>؛ معتاد به شراب‌خواری و تصدیق‌کننده ساحر و قطع‌کننده رابطهٔ خویشاوندی داخل بهشت

نمی‌شود.

در حدیثی دیگر است که اگر کسی سحر بکند یا پیش ساحر برود و از ساحر بخواهد که برایش سحر کند از امت پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون می‌شود.

عمران بن حصین از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت می‌کنند که فرموده‌اند:

«لیس منا من تطیر و لا من تطیر له أو تکهن أو تکهن له أو سحر أو سحر له»<sup>(۵)</sup>؛ از گروه ما نیست کسی که فال بد بگیرد یا پیش فالگیر برود یا تقاضای فالگیری کند یا اینکه پیش‌گویی کند یا درخواست پیش‌گویی کند یا اینکه جادو کند یا پیش جادوگری برای جادو کردن برود.

و در حدیث آمده است:

«من عقد عقدة ثم نثف فیها فقد سحر و من سحر فقد اشرك»<sup>(۶)</sup>؛ کسی که گرهی بست بعد در آن دمید بدرستی جادو نموده است و کسی که جادو نموده همانا شرک کرده است.

و در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«ثلاث من لم یکن فیہ واحدة فان الله یغفر له ما سوی ذلک لمن یشاء من مات لا یشکر بالله شیئاً و لم یکن یتبع السحرة و لم یحقد علی اخیه»<sup>(۷)</sup>؛ کسی که از این سه چیز در او هیچ کدام نباشد خداوند اگر بخواهد گناهان دیگر او را می‌بخشد: ۱- با خدا چیزی را شریک نکرده باشد ۲- پیش ساحران نرفته باشد ۳- نسبت به برادرش کینه نورزیده باشد.

### اقوال ائمه و علما درباره مجازات جادوگران

چونکه جادوگران با روشهای متعددی جادو می‌کنند، مجازات آنها بستگی به نوع سحر آنها دارد.

علامه قرطبی در تفسیرش نوشته است: «اگر ساحر ادعا کند که من شکل و صورت انسانها را تغییر می‌دهم و به شکل حیوان در می‌آورم یا مسافت یک ماه را می‌توانم در یک شب طی کنم و من می‌توانم در هوا (بدون وسیله) پرواز کنم در ضمن به مردم نیز تلقین کند که من بر حق هستم این جادوگر، کافر

۱- مسلم: ۱۹۷۲، دارالفکر.

۲- مسلم: ۶۲/۱، دارالفکر، بخاری: ۳۲/۴، دارالکتب العلمیه.

۳- مسلم: ۳۷/۵، دارالفکر.

۴- صحیح ابن حبان: ۱۶۶/۱۲، موسسه الرساله، بیروت.

۵- مجمع الزوائد: ۱۱۷/۵، دارالکتب العربیه.

۶- نسائی: ۱۱۲/۲، دارالفکر. ۷- الادب المفرد و طبرانی.

✓ در

حدیثی دیگر

است که اگر

کسی سحر بکند

یا پیش ساحر

برود و از ساحر

بخواهد که

برایش سحر کند

از امت پیامبر صلی الله علیه و آله

بیرون می‌شود.

چون ادعایی مانند معجزات پیامبران را می‌کند اما اگر بگوید سحر، نیرنگ و حلیه بازی و تردستی و خیال افکنی و تزویر است کافر نمی‌شود و سزایش کشته شدن نیست بلکه گنهکار می‌گردد.

لذا علمایی که می‌گویند ساحر کافر می‌شود و باید کشته شود، مثل ائمه اربعه، هدفشان این است که ساحر با کلامی سحر کرده که موجب کفر است، اگر چنان کلامی نباشد کشته نمی‌شود اما گنهکار می‌گردد.

امام شافعی رحمته الله می‌فرماید: «ساحر کشته نشود مگر در صورتی که با سحرش فردی را کشته باشد و اقرار کند که عمداً قتل را مرتکب شده است» (۲).

نزد امام ابوحنیفه، امام مالک و احمد «اگر مسلمانی جادو کند، مرتد می‌شود و توبه‌اش پذیرفته نمی‌شود و قتل او واجب است» (۳).

نزد امام شافعی و طبق یک روایتی از امام احمد ساحر را وادار به توبه کنند و او را نکشند چونکه گناهش از شرک بزرگتر نیست مشرک را تشویق به توبه می‌کنند لذا ساحر را هم مجبور به توبه کنند و اگر ساحر فرد کافری بود، توبه‌اش پذیرفته می‌شود همانطوریکه ساحران دربار فرعون توبه کردند و ایمان آوردند و خداوند توبه آنها را قبول نمود پس توبه این مرتد (کسی که به جرم سحر مرتد شناخته شده) نیز پذیرفته می‌شود. (۴)

### حکم تعلیم سحر

جمهور علما می‌فرمایند: آموختن سحر برای هر منظوری حرام است، زیرا قرآن تعلیم سحر را مورد مذمت و نکوهش قرار داده است و فرموده که در تحصیل آن هیچ‌گونه فایده و سودی نیست:

«و یستعلمون ما یضرهم و لا ینفعهم» (۵)؛ و آنها قسمتهایی را فرا می‌گرفتند که برایشان (از لحاظ دنیا و آخرت) زیان داشت و بدیشان سودی نمی‌رساند. ابن‌قدامه می‌فرماید: «در اینکه تعلیم و تعلم سحر حرام است بین علماء هیچ‌گونه اختلافی نمی‌بینیم» (۶).

امام نووی می‌فرماید فراگیری سحر حرام و از گناهان کبیره است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را یکی از هفت مورد هلاک‌کننده شمرده است و بعضی از جادوها موجب کفر می‌گردند و برخی دیگر از

عبدالرزاق از صفوان بن سلیم روایت نموده است: «قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله من تعلم شیئاً من السحر قلیلاً او کثیراً کان آخر عهده من الله» (۸)؛ کسی که به مقدار کم یا زیاد از سحر تعلیم گرفت پیمانی که با خدا بسته است به پایان رسیده است.

البته بعضی‌ها می‌گویند برای اینکه بتوانیم سحر را باطل کنیم تعلیم آن جایز است. اما استدلالشان منطقی نیست چونکه در گشودن و باطل کردن سحر نیازی به تعلیم و فراگیری خود سحر نیست زیرا گشودن سحر طریقه صحیح و درستی دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله در ابطال سحر از خودش آن را مورد استفاده قرار داد بدون اینکه خود سحر را یاد بگیرند.

### فرق معجزه و سحر

معجزه از جانب خداوند برای تصدیق ادعای پیامبران به آنها عطا می‌شود. معجزات اموری خارق‌العاده و دارای حقیقت هستند که باطن و ظاهر آنها با هم هماهنگی دارد و اسباب طبیعی در آنها هیچ‌گونه نقش و دخالتی ندارد و اگر تمام مردم روی زمین به سعی و تلاش برخیزند تا مانند معجزات را ارایه دهند عجز و ناتوانیشان در این مورد نمایانتر می‌شود و هر چقدر در آن دقت کنند به صحتش بیشتر یقین می‌کنند.

اما سحر و جادو از کسی سر می‌زند که با ارتکاب گناه و معصیت و توهین به مقدسات اسلامی و دوری از ایمان و نظافت، شیاطین را خشنود و آنها را مطیع و فرمانبردار خود سازد و جادوی آنها در نهاد خود هیچ حقیقتی ندارد و قادر به شکستن قانون طبیعی جهان نیست، بلکه سحر آنها نوعی خیال‌افکنی، ظاهرآرایی، دروغ‌بافی و حلیه‌های ظریفی است و هر فردی با تلاش قادر به انجام آنها است و می‌تواند به سطح آن جادوگر برسد و شاید بتواند بهتر از آنها خیال‌پردازی و شعبده‌بازی کند.

۱- تفسیر قرطبی: ۲/۲۵، احیاء التراث العربی، بیروت.

۲- قرطبی: ۲/۲۸، احیاء التراث العربی.

۳- فتح الباری: ۱/۱۸۴، احیاء التراث العربی.

۴- المغنی: ۱/۱۱۳، دارالفکر. ۵- بقره: ۱۰۲.

۶- المغنی: ۱/۱۰۶، دارالفکر.

۷- شرح نووی بر صحیح مسلم: ۲/۲۲۱، چاپ نورمحمد.

۸- الدر المنثور: ۱/۱۰۴، مشورات مرعشی.

✓ جمهور  
 علما می‌فرمایند:  
 آموختن سحر  
 برای هر منظوری  
 حرام است، زیرا  
 قرآن تعلیم سحر  
 را مورد مذمت و  
 نکوهش قرار  
 داده است و  
 فرموده که در  
 تحصیل آن هیچ  
 گونه فایده و  
 سودی نیست.

ساحران افرادی فاسق، فاجر، ماجراجو و فتنه‌انگیز هستند، و در میان افراد جامعه جنگ و درگیری و عداوت و دشمنی ایجاد می‌کنند و برای جامعه مشکل‌ساز هستند.

اما اگر از فردی متقی و متمسک به سنت نبوی امر خارق‌العاده‌ای صادر شود کرامت آن شخص پرهیزگار محسوب می‌شود و صاحب کرامت کسی است که همیشه متوجه خدا بوده و نیتش خوب باشد و زمانی که کرامت از او ظاهر شود، شکر خدا را بجا می‌آورد و کرامت خود را مخفی نگه می‌دارد و با بیان و توضیح آن اظهار فضل و بزرگی نمی‌کند و به تقوی و فروتنی افزوده می‌شود.

### احضار ارواح

در سال ۱۸۴۸ میلادی تفکر احضار ارواح در امریکا انتشار یافت و از آنجا به قاره اروپا و بقیه جهان گسترش یافت. کتابهای زیادی در این زمینه تألیف شد، و بصورت علمی مستقل درآمد و در دانشگاهها تدریس می‌شد. معتقدان به این علم ادعا دارند که توسط این علم انسان قادر است که از عالم برزخ ارواح را هر زمان که خواسته باشد احضار کند و با آنها گفتگو نماید و از نحوه زندگی آنها پرسد و معتقدند که به دو صورت می‌شود با ارواح ارتباط برقرار کرد و آنها را احضار نمود:

۱- روح در جسد فرد وسیط حلول می‌کند،  
۲- روح بصورت همان شخصی که این روح متعلق به او بوده است متجسم می‌شود.

اما در کتاب‌الله و سنت رسول‌الله هیچ نوع مدرک و دلیلی که دال بر امکان احضار ارواح باشد نیست. همچنین در کتاب‌الله و سنت اشاره نشده که با دعا، ورد، سحر و جادو و با آیات قرآن و یا به طریقه دیگری می‌توان روحی را احضار کرد یا آن را مطیع و فرمانبردار خود نمود.

چیزی که شرعاً ثابت است این است که بعد از مرگ، روح وجود و بقاء دارد و از بین نمی‌رود. زمانی که از بدن جدا می‌شود در عالمی دیگر غیر از عالم دنیا که با آن مانوس می‌گردد به نام عالم برزخ داخل می‌شود و تحت قوانینی جدید قرار می‌گیرد و امکان بازگشت آن به دنیا وجود ندارد.

الله تبارک و تعالی می‌فرماید: «و من وراء هم برزخ الی یوم یبعثون»<sup>(۱)</sup>؛ و در پیش روی ایشان جهان

برزخ است تا روزی که برانگیخته می‌شوند. برزخ به معنی حایل و مانع است یعنی در جلوی آنها همچون حائل و مانعی است که آنها را از رجوع به دنیا باز می‌دارد.

در عالم برزخ روح فرد کافر، مشرک و گناهکار با انواع عذابها مواجه است. الله تبارک و تعالی در مورد ارواح آل فرعون می‌فرماید: «النار یعرضون علیها غدواً و عشیاً»<sup>(۲)</sup>؛ (در عالم برزخ) آتش دوزخ بامدادان و شامگاهان به آنها عرضه می‌شود.

اما روح افراد مؤمن، صالح و نیکوکار در نعمت، رفاه و آسایش قرار دارد. «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون»<sup>(۳)</sup>؛ کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مشمار، بلکه آنان زنده‌اند و بدیشان نزد پروردگارش روزی داده می‌شود.

پس کسی که در قبر و عالم برزخ معذب است چگونه می‌تواند از جلوی عذاب دهندگان فرار کند یا از آنها اجازه بگیرد و به این دنیا بیاید و تقاضای احضارکنندگان را پاسخ بگیرد و به سؤالات آنها جواب دهد.

یا کسی که در عالم برزخ مورد لطف و عنایات خداوند قرار گرفته چگونه نعمت‌ها را رها می‌کند تا به خواسته احضارکنندگان جواب مثبت بدهد.

پس علم احضار ارواح که در جهان رایج است و معتقدند با آن می‌توانند بیماران را معالجه کنند و مشکلات دنیوی را حل کنند، بی‌اساس و باطل است و باعث تزلزل عقاید مردم می‌گردد و مردم را به سوی بی دینی سوق می‌دهد و آنها را وسوسه می‌کند تا از مردگانی که صدها سال قبل مرده‌اند کمک و یاری بجویند. در حالیکه در هر حال باید اعتقاد، یقین و توکل مردم به خداوند باشد که برطرف کننده تمامی مشکلات است. «و من یتوکل علی الله فهو حسبه»<sup>(۴)</sup> هر کس بر خداوند توکل کند (و کار و بار خود را بدو واگذارد) خدا او را کافی است.

کسانی که از خدا و قرآن روگردانی کنند و از قرآن هدایت و راهنمایی نگیرند گمراه می‌گردند و شیطان قرین آنها می‌شود و شیطان بد همنشینش است «و من یعش عن ذکر الرحمن تقیض له شیطاناً

## ندای اسلام

شماره ۱۴ • تابستان ۸۲



✓ پس

علم احضار

ارواح که در

جهان رایج

است و معتقدند

با آن می‌توانند

بیماران را

معالجه کنند و

مشکلات دنیوی

را حل کنند،

بی‌اساس و باطل

است و باعث

تزلزل عقاید

مردم می‌گردد.

فهر له قرین»<sup>(۱)</sup>؛ هر کس از یاد خدا غافل و روگردان شود، اهریمنی را مأمور او می‌سازیم، و چنین اهریمنی همواره همدم وی می‌گردد (و گمراه و سرگشته‌اش می‌سازد).

در قرآن آمده است که یهودیها از پیامبر اکرم ﷺ درباره ماهیت و حقیقت روح پرسیدند و قصدشان از این پرسش آزمودن پیامبر در حقانیت رسالتش بود، چنانکه آمده است: «و يسألونك عن الروح قل الروح من امر ربي و ما اوتيتم من العلم الا قليلا»<sup>(۲)</sup>؛ از تو درباره روح می‌پرسند بگو: (برحقیقت روح) تنها پروردگارم آگاه است. چرا که جز دانش اندکی به شما داده نشده است.

آنچه در این آیه مهم است اینکه درباره درک کنه و حقیقت روح علم و دانش انسان کم و محدود است. تا چه برسد که مدعی احضار روح باشد؛ یعنی کسی که نمی‌داند روح چیست چگونه می‌تواند ادعای احضار آن را بکند.

پس بدون تردید کسانی که مدعی احضار روح هستند و اشباحی را به نمایش می‌گذارند کاملاً سخنان و اعمال آنها فریب، نیرنگ، چشم‌بندی و شعبده‌بازی است.

دکتر ابراهیم ادهم درباره حقایق اشباحی که این افراد عرضه می‌کنند می‌فرماید:

۱- شبیح و تصاویری که احضارکنندگان روح بنمایش می‌گذارند، نوعی فریب و نیرنگ است. صور و اشباه آنها یک تکه پارچه بافته شده نازک یا یک ماده نایلونی است که آن را داخل دهن یا بینی یا گوش یا لباسهای خود مخفی کرده و با ترفندهای ماهرانه‌ای آن را بیرون می‌آورند.

۲- یا اینکه این اشباه و صور مواد شیمیایی هستند که وسیط آنها را به بدن خود مالیده است و این مواد از بدن او بخار می‌شوند و دور بر او را مانند دودی رقیق احاطه می‌کنند برای تأیید این سخن کسی که آنجا است اگر این شبیح را دست بزند قادر به گرفتن آن نیست چونکه اینها مواد شیمیایی هستند که از بدن او بخار شده‌اند همانگونه که نفتالین بخار می‌شود.

۳- بعید نیست که این صور و اشباه جن‌هایی باشند که در جلسه احضار روح مجسم و آشکار می‌شوند.<sup>(۳)</sup>

### آیا سحران غیب می‌دانند؟

عالم‌الغیب کسی است که از همه چیز با خبر است و در هر زمان و هر مکانی حاضر و ناظر می‌باشد و همانا او تنها ذات پاک خداوند است. اما غیر از الله عزوجل کسی که وجودش محدود به زمان و مکان معینی است طبعاً نمی‌تواند از همه چیز باخبر باشد.

«ان الله عنده علم الساعة و ينزل الغيث و يعلم ما فی الارحام و ما تدری نفس ماذا تکسب غداً و ما تدری نفس بای ارض تموت ان الله علیم خبیر»<sup>(۴)</sup>؛ آگاهی از فرا رسیدن قیامت ویژه خدا است، و او است که باران را می‌باراند و او مطلع است از آنچه در رَحِمها است، و هیچ کس نمی‌داند فردا چه چیز به دست می‌آورد، و هیچ کس نمی‌داند در کدام سرزمین می‌میرد قطعاً خدا آگاه و با خبر است.

«و عنده مفاتیح الغیب لا یعلمها الا هو و يعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقة الا یعلمها و لاحبة فی ظلمت الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتب مبین»<sup>(۵)</sup>؛ گنجینه‌های غیب و کلید آنها در دست خدا است و کسی جز او از آنها آگاه نیست و خداوند از آنچه در خشکی و دریا است آگاه است، و هیچ برگی فرو نمی‌افتد مگر اینکه از آن خبر است و هیچ دانه‌ای در تاریکیهای زمین و هیچ چیز تر و یا خشکی نیست که فرو افتد مگر اینکه (خدا از آن آگاه و در علم خدا پیدا است و) در لوح محفوظ ضبط و ثبت است.

همانا غیبی که از آن هیچ کس اطلاع ندارد، غیب مطلق است که خداوند آن را به خودش اختصاص داده و تلاش جهت رسیدن به آن باطل و محال است و مدعی شناخت آن کافر است.

پیامبر اکرم ﷺ که برترین و اشرف‌ترین مخلوق روی زمین و محبوب‌ترین شخص نزد پروردگار است به آن آگاهی نداشته است.

خداوند متعال به پیامبر دستور داد تا به افرادی که انتظار داشتند پیامبر آنها را از تمام اسرار آینده و گذشته آگاه سازد و حتی به آنها بگوید در آینده چه حوادثی در زندگی آنها روی می‌دهد تا برای رفع ضرر و جلب منفعت بپا خیزند، بگوید:

۱- زخرف: ۳۶  
۲- اسراء: ۸۵  
۳- السحر و السحرة، ص: ۱۶۱. دار البیِّنات الاسلامیة.  
۴- انعام: ۵۹  
۵- لقمان: ۳۴

✓ درباره  
درک کنه و  
حقیقت روح علم  
و دانش انسان  
کم و محدود  
است. تا چه  
برسد که مدعی  
احضار روح  
باشد؛ یعنی  
کسی که نمی‌داند  
روح چیست  
چگونه می‌تواند  
ادعای احضار آن  
را بکند.



«قل لا املك لنفسی نفعاً و لا ضرراً الا ما شاء الله و لو كنت اعلم الغیب لاستكثرت من الخیر و ما مسنی السوء ان انا الا نذیر و بشیر لقوم یؤمنون»<sup>(۱)</sup>؛ بگو: من مالک سود و زبانی برای خودم نیستم، مگر آن مقداری که خدا بخواهد و (از راه لطف بر جلب نفع یا دفع ضرر، مالک و مقتدرم گرداند.) اگر غیب می دانستم، منافع فراوانی نصیب خود می کردم (چراکه با اسباب آن آشنا بودم) و اصلاً شر و بلا به من نمی رسد (چراکه از موجبات آن آگاه بودم، حال که از اسباب خیرات و برکات و از موجبات آفات و مضرات بی خبرم، چگونه از وقوع قیامت آگاه خواهم بود) من کسی جز بیم دهنده و مزده دهنده مؤمنان نمی باشم. «قل لا اقول لكم عندی خزائن الله و لا اعلم الغیب و لا اقول لكم انی ملک ان اتبع الا ما یوحی الی»<sup>(۲)</sup> (ای پیامبر به این کافران) بگو: من نمی گویم گنجینه های (ارزاق و اسرار جهان) یزدان در تصرف من است و من نمی گویم که من غیب می دانم (چرا کسی از غیب جهان باخبر است که در همه مکانها و زمانها حاضر و ناظر باشد و آن فقط خدا است) و من به شما نمی گویم که من فرشته ام من جز آنچه به من وحی می شود از چیزی دیگر پیروی نمی کنم.

البته الله تبارک و تعالی اگر بخواهد فقط بعضی از پیامبران را در انجام رسالت طبق نیاز از برخی امور غیبی آگاه می گرداند آن هم با فرشته ای که با فرشته های دیگر اسکورت می شود، چنانکه الله تبارک و تعالی می فرماید: «عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احداً، الا من ارتضى من رسول فانه یسلک من بین یدیه و من خلفه رسداً»<sup>(۳)</sup>؛ داننده غیب خدا است، و هیچ کسی را بر غیب آگاه نمی سازد، مگر پیغمبری که خدا از او خشنود باشد (خدا برای حفظ آن مقدار غیبی که او را از آن مطلع می کنند، از میان فرشتگان) محافظان و نگهبانانی در پیش و پس او روان می دارد.

لذا کسانی که ادعا می کنند که جادوگران، شیاطین و جن ها و دیگر انسانها غیب می دانند سخت در اشتباه هستند.

قرآن از زبان جن ها می گوید: «و انا کنا نقعد منها مقاعد للسمع فمن یستمع الان یجد له شهاباً رسداً، و انا لا ندری اشر ارید بمن فی الارض ام اراد بهم رسداً»<sup>(۴)</sup>؛ ما (پیش از این) در گوشه و کناره های

آسمان برای استراق سمع می نشستیم (و کسب خبر می کردیم) ولی اکنون هر کسی بخواهد گوش فرا دهد، شهاب آماده ای را در کمین خود می یابد که به سوی او نشانه می رود. ما نمی دانیم که آیا برای ساکنان زمین شر و بلا در نظر گرفته شده است، و یا اینکه پروردگارشان خیر و هدایت ایشان را خواسته است.

این در مورد اخبار آسمان بود، اما اخبار زمین که جلوی روی آنها و با آنها نزدیک است از آن نیز اطلاعی نداشته اند؛ زمانی که حضرت سلیمان وفات یافت از وفات او خبر نشدند و مدتی طولانی خدمت کردند تا اینکه موربانه عصای حضرت سلیمان را خورد و او به زمین افتاد بعد متوجه مرگ وی شدند: «فلما قضینا علیه الموت ما دلهم علی موته الا دابة الارض تأکل منسأته فلما خر تبینت الجن ان لو کانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین»<sup>(۵)</sup>؛ زمانی که بر سلیمان (که سبیل قدرت و عظمت بود) مرگ مقرر داشتیم، جنیان را از مرگ آگاه نمود مگر چوبخواره هایی که عصای وی را می خوردند هنگامی که سلیمان فرو افتاد فهمیدند که اگر از غیب مطلع می بودند در عذاب خوار کننده ای باقی نمی ماندند.

با این آیات صریح وضع جنیان برای مردم آشکار شد که آنها از اسرار غیب آگاه نیستند و بی جهت عده ای چنین عقیده ای را درباره آنها داشته اند و بر همه روشن شد که گروه جن از غیب آگاه نیست و انسانهای نادان و بی خبر که آنها را پرستش می کردند سخت در اشتباه و خطا بوده اند.

اگر کسی بگوید که جن ها و شیاطین گرچه اخبار آینده را نمی دانند اما در مورد کارهایی که در گذشته انجام گرفته است شاید بتوانند پاسخ صحیح و مثبت بدهند. باید گفت که در هر صورت پرسیدن و رفتن پیش کاهنان و جادوگران ناجایز و نادرست است چونکه کاهنان افرادی هستند که از ایمان، تقوی و کرامت فرسنگها فاصله دارند و تسخیر جن ها بدون ارتکاب گناهان کبیره و دوری از ایمان میسر نیست؛ جن هایی که طبیعت آنها با فسق، فجور، گناه و معصیت سرشته شده است. و اخباری

✓ کسانی که ادعا می کنند که جادوگران، شیاطین و جن ها و دیگر انسانها غیب می دانند سخت در اشتباه هستند.

۱- اعراف: ۱۸۸  
۲- اتمام: ۵۰  
۳- جن: ۲۷  
۴- جن: ۱۰-۹  
۵- سبأ: ۱۲

را که کاهنان و جادوگران می‌گویند یک جمله از آن چیزی است که شیاطین استراق سمع نموده و آن را رسوده‌اند و جن‌ها به آن صدها دروغ دیگر می‌افزایند و به کاهنان القاء می‌کنند و کاهنان صدها دروغ دیگر به آن افزوده و برای مردم بیان می‌کنند. در نتیجه یک سخن راست در میان اقیانوسی از سخنان دروغ، پوچ و باطل قرار دارد. لذا سخنان آنها مشروعیت ندارد و تصدیق آنها جایز نیست. اما اینکه کاهنان گاهی در شناخت سارقین یا دانستن نام اشخاص موفق بوده‌اند حتماً حيله‌ای در کار بوده یا شخصی دیگر این اطلاعات را به آنها رسانده است یا از طرف شیاطین و جن‌ها است زیرا علم جن و شیاطین در حوادثی که رخ داده و انجام گرفته است محال نیست و همانطوریکه احتمال است افرادی از انسانها سارق را حین سرقت مشاهده کنند، جن‌ها که روی همین زمین با مردم زندگی می‌کنند در مورد آنها هم همین احتمال وجود دارد. اما بهر حال «و لا یفلح الساحر حیث اتی»<sup>(۱)</sup>؛ جادوگر هر کجا برود پیروز نمی‌شود.

قدرت قرار می‌گرفتند، و از ربودن اموال مردم جاهل و نادان و ضعیف‌العقیده دست می‌کشیدند. البته باید فرق این ساحران و شعبده‌بازان را با دعانویسان شرعی بدانیم.

### علامه دعانویسان شرعی:

- ۱- بر عمل خود اجر و مزدی طلب نمی‌کنند؛
- ۲- دعانویسی را شغل و حرفه خود قرار نداده‌اند؛
- ۳- در دعاهای آنها طلسم و جملات نامفهوم قرار ندارد؛
- ۴- این افراد در ایمان، تقوی و اعمال صالح و نیکو مشهور هستند؛
- ۵- دعاهایی را استعمال می‌کنند که از رسول خدا و صحابه و اسلاف ثابت است؛
- ۶- از پذیرش زنان بدحجاب و بدون محرم انکار و دوری می‌کنند؛
- ۷- با زنان بیگانه خلوت نمی‌کنند و به بدن آنها دست نمی‌زنند.

### خصوصیات جادوگران حيله‌گر:

- ۱- خود را به شیطان تحویل داده‌اند؛
- ۲- افرادی لجوج هستند که از عقیده شیطانی خود ذره‌ای عقب نشینی نمی‌کنند؛
- ۳- افرادی بی‌ضمیر، بی‌احساس و مرده دل هستند که کمترین خیر، فایده و سودی در آنها وجود ندارد؛
- ۴- به استمداد و یاری از شیطان اصرار می‌ورزند؛
- ۵- به قدرت شیطان و اعوان او اعتقاد کامل دارند؛
- ۶- زمینه گناه و معصیت و رذایل اخلاقی در آنها کاملاً فراهم است؛
- ۷- افرادی حقیر و پست و بی‌ارزش و کم‌همت هستند. در پایان امیدواریم که الله عزوجل معرفت و شناختش را هر چه بیشتر در دل ما جا دهد و ما را از لوٹ عقاید باطل و خرافات و از حسد حاسدان و مکر ماکران و تمام بدیها محفوظ دارد. «آمین یا رب العالمین».

\*\*\*\*\*

### آیا به شیادان مراجعه می‌کنید

بعضی از مردم وقتی مریض می‌شوند یا حالشان بد می‌شود برای علاج خود به جادوگران مراجعه می‌کنند و از آنها دعا و تعویذ می‌گیرند. در زمانهای گذشته بخاطر کمبود علم و دانش این مکاران مراجعه‌کنندگان زیادی داشتند و افراد زیادی در دام اینها گرفتار بوده‌اند اما اکنون که علم و دانش و آگاهی مردم فزونی یافته است و اطبای ماهری برای مداوای بیماران وجود دارد، بازار این حيله‌گران رونق چندانی ندارد. اما در اثر ضعف ایمان و ضعف توکل بر خدا هنوز هم افرادی پیش این مکاران برای رفع مشکلات می‌روند و این کلاهبرداران تحت پوشش این فن به دزدیدن و چپاول اموال و عقیده مردم مبادرت می‌ورزند و مانند موربانه‌ای که چوب را از داخل می‌خورد با کمک شیطان و جن‌ها جامعه را از درون ویران می‌کنند و به علت تغذیه مال حرام، دائماً در فقر و تنگدستی بسر می‌برند. و اگر بر آنچه ادعا می‌کنند توانا بودند قبل از همه اول خود را بی‌نیاز می‌ساختند و گنج‌های زمین را استخراج می‌کردند و تخت پادشاهان را واژگون می‌کردند و بر اریکه

✓ اگر  
بر آنچه ادعا  
می‌کنند توانا  
بودند قبل از همه  
اول خود را  
بی‌نیاز  
می‌ساختند و  
گنج‌های زمین را  
استخراج  
می‌کردند و تخت  
پادشاهان را  
واژگون می‌کردند  
و بر اریکه قدرت  
قرار می‌گرفتند.